بسم‌الله الرحمن الرحیم

این دقایقی که خدمت دوستان هستیم در مورد تهذیب و بعضی از نکات در زمینه منبع‌یابی تهذیب گفتگو خواهیم کرد.

بحث منبع‌یابی یکی از مهم‌ترین بحث‌های کلیدی در مورد همه کتب است علی الخصوص در کتب حدیثی این امر خیلی مهم هست. دشواری خاصی در کتب حدیثی اصلی بخاطر عدم دسترسی آسان، مشخص و روشن به منابع این کتب وجود دارد که نیاز به یک یافتن، جستجو، پژوهش و تحقیق برای پیدا کردن این منابع را ایجاب می کند.

در یک تقسیم بندی کلی کتب حدیثی به کتب سنددار و کتب غیرمسند یعنی بدون سند تقسیم می شوند و هر کدام بحث‌های مربوط به منبع‌یابی متفاوتی دارند.

مراد از کتب سند دار، کتبی که حداقل نام یک راوی در آن وجود دارد؛ بنابراین کتاب و قسمت‌های اصلی کتاب فقیه، داخل در همین بحث قرار می‌گیرد که نام روات در آن وجود دارد؛ ولو احیاناً ممکن است نام راوی کامل نباشد.

در کتب سنددار برخی کتب سندهاش حجمش بیشتر هست، بعضی کتب سندهاش حجمش کمتر است. اما کتاب تهذیب کتابی است که گونه‌های مختلف سند را ما در آن می‌بینیم اسناد کامل که با نام مشایخ مولف شروع می‌شوند؛ مثلاً از شیخ مفید شروع می‌شود تا آخرین راوی که مثلاً معاویه بن عمار هست، خاتمه می‌یابد؛ که جلدهای اول تهذیب باب‌های اصلیش معمولا به این شکل هست بخصوص جلد اول، اسناد کامل را مشتمل هست.

مرحوم شیخ طوسی بعد تصمیم می‌گیرد که روشش را عوض کند و اسناد را معلق قرار بدهد؛ معلق به مولفینی که احادیث را از کتاب آنها اخذ کرده که این مطلب در مؤخره به اصطلاح مشیخه اشاره شده است.

ما یه بحث‌هایی در منبع یابی اسناد کامل یعنی احادیثی که اسناد کامل دارند داریم، یک سری بحث هایی در مورد منبع یابی روایت‌هایی که اسنادش از منبعی که از اون منبع مثلا اخذ شده داریم، هر در هر دوی این بحث‌ها یک بحث مقدماتی مهم وجود دارد اون اینه که یک سری مصادر تهذیب می‌شود به راحتی تشخیص داد، حالا هم با توجه به مشیخه تهذبین و هم با توجه به تدبر در کل کتاب، این دو محور هستند برای شناسایی مصادر اصلی در تهذیب.

در مشیخه تهذیب ۲۸ راوی مستقل وارد شده، طریق را شیخ خودش را به اونها ذکر می‌کند اینها در واقع دو گراه هستند یک گراه منابعی هستند که در تمام یا اکثر ابواب تهذیب، شیخ طوسی از کتاباشون اخذ کرده یک گروه منابعی که در یک کتاب خاص، دو کتاب خاص، چند کتاب محدود از آن ها اخذ کرده است.

ترتیب نام‌هایی که در مشیخه، شیخ طوسی طریق ذکر میکند به اونها بر اساس این دو گروه هستند؛ گروه اول که با محمد بن یعقوب کلینی آغاز می‌شود، کسانی هستند که در تمام یا اکثر ابواب تهذیب از اونها احادیثی اخذ شده که محمد بن یعقوب هست، علی بن حسن بن فضال هست، حسن ابن محبوب هست البته حسن بن محبوب را استثنا میکنم ولی منهای حسن بن محبوب که نکات خاصی دارد که بماند حسین بن سعید هست محمد بن احمد بن یحیی اشعری هست محمد بن علی بن محبوب هست محمد بن حسن صفار و سعد بن عبدالله و احمد محمد بن عیسی که ۹ اسم بردم که با حذف

حسن بن محبوب ما با ۸ نام در اینجا روبرو هستیم که این ۸ نام مصادر اصلی تهذیب هستند در تمام ابواب تمام کتب تهذیب تمام کتب تهذیب یا اکثر

ولی یه نکته‌ای اینجا وجود دارد که برخلاف تصور بدوی، شیخ طوسی از این کتاب‌ها در همه موارد نام مولفینی که از این کتاب‌ها اخذ کرده نام این افراد مولف نامشون اینجا برده شده اینها را در اول سند اسم نبرده یعنی موارد زیادی هست که از کافی اخذ شده ولی نام کلینی در آغاز سند آورده نشده که من مفصل این یه مقاله‌ای در مجله علوم الحدیث در این مورد نوشتم در مورد تفکیک بین موارد اخذ مستقیم و اخذ با واسطه مثلا شیخ طوسی مراجعه میکند به کافی کافی روایتی را با سند خودش از حسین بن سعید نقل کرده ایشون به جای اینکه اسم کلینی را بیارد، بدع سند میکند به حسین بن سعید، که به این مطلب هم تو مشیخه اشاره کرده هم مراجعه به متن کتاب اون مطلب را اثبات می‌کند این حسن بن محبوب را که عرض کردم حسن بن محبوب کسی است که غالباً مستقیم از کتاب شخص نشده از ٦ تا طریق در مشیخه به حسن ابن محبوب ذکر کرده یه دونه‌ش را با تعبیر ما اخذته من کتبه و مصنفاته هست و پنج تا طریقش در ذیل طرق دیگر است یعنی با تعبیر من جمله ما ذکرته ٦ تا طریق به حسن ابن محبوب ایشان ذکر می‌کند یه سریش در ذیل طریق به کافی طریق به سعد بن عبدالله طریق به صفار ۵ تاش به در ذیل طریق های دیگر هست یکیش را میگه ما اخذته دیگه من جمله هم نیست و ماکان فیه من حسن بن محبوب ما اخذته من کتبه و مصنفاته ذکر میکند که این راشن هست که فرق دارد بین مواردی که مستقیم ایشون اخذ کرده یا به واسطه نقل کرده است.

بحث مفصل این را من تو مقاله به تفصیل وارد شدم در مورد اینکه تهذیب با روشی به نام **اخذ به توسط** احادیث را شیخ طوسی در آن اخذ با واسطه و خب این اخذ به توسط اونجا روش هایی که چگونه می‌توانیم اخذ به توسط را شناسایی کرد و امثال اینها دنبال کردم بعضی مثال‌هایی در مورد اینکه از کافی مثلا اخذ کرده و چه جوری اخذ کرده و هست که حالا بعضی از دوستان شاید دیده باشن و بعضی از دوستان هم ممکن است مایل بشن ببینند مقاله را تو مجله علوم الحدیث شماره شش[1] این مقاله آمده است

البته من این بحث مربوط به تهذیب را بنا دارم یک کتاب مفصلی در موردش تدوین کنم که تقریباً شاید به دو سه جلدی هم بشه در مورد تهذیب، فصول مختلفی دارد که بعضی از فصل‌هاش را هم تدوین هم کرده ام.

در مورد اخذ به توسط ما با یک سری سوالات مواجه هستیم. یکی اینکه در مشیخه تهذیبین اشاراتی به اخذ به توسط شده، مثلا در ذیل طریق به کلینی، ذیل طریق به حسین بن سعید، ذیل طریق صفار محمد بن علی بن محبوب این ها اشارات دارند با تعبیر من جمله به اونها اشاره شده یا احیاناً من جمله نیست ولی ذیل آنهاست مثلا مشایخ کلینی که ایشون علی ابن

---

۱. مصادر الشیخ الطوسی قدس‌سره فی کتاب تهذیب الأحکام، **علوم الحدیث، رجب - ذوالحجة ۱۴۲۰ - العدد ٦**

ابراهیم در اسناد تهذیب نوعاً برگرفته از کافی است ولی اسم کلینی در اون نیست احمد بن ادریس همینجور و نوع مشایخ کلینی که در آغاز اسناد تهذیب هستند نوعاً برگرفته از تهذیب هستند جز موارد نادر که از کافی گرفته نشده اینها از کافی گرفته شده اند.

اما یه سری سوالات جدی در بحث منبع‌یابی تهذیب هست یکی اینکه آیا موارد اخذ به توسط منحصر به در مصادر معروف مثلاً در ذیل طریق کلینی در مشیخه ما طریق های ذیلی زیادی را ایشون اشاره کرده مرحوم شیخ طوسی اشاره به در ذیل طریق به کافی اشاره کرده به طریق علی بن ابراهیم بن هاشم یه روایت علی بن ابراهیم بن هاشم به روایت‌های احمد بن ادریس روایت های حسین ابن محمد روایت محمد بن اسماعیل حمید ابن زیاد و من جمله ما ذکرته محمد بن عیسی و من جمله ما ذکرته فضل بن شاذان من جمله ما ذکرته عن ابن محبوب، و ما ذکرته عن سهل بن زیاد، و یه سری مواردی را اشاره میکند که روایت‌هایی را که آغاز اسنادش کسانی مثل علی بن ابراهیم هستند یا سهل ابن زیاد هستند اینها از کافی گرفته شده و همچنین روایاتی را که در آغاز سندشون بین حسن بن محبوب هست بعضیاش از کافی گرفته شده

یک سوال این هست که آیا مواردی که مثلاً این من جمله ما ذکرته عن حسن بن محبوب کجاها حسن بن محبوب است از کافی گرفته شده تعبیر میکند بعضیاشو مواردی که از کافی گرفته شده کجا کجاست و مواردی از کافی گرفته نشده کجاست؟

عرض کردم شش تا طریق ذکر کرده این شش تا طریق نشان میده که ایشون کتاب حسن ابن محبوب را بعضیشون مستقیم از خود حسن بن محبوب اخذ کرده کتابش بعضیاشو از کافی گرفته بعضی محمد بن علی بن محبوب گرفته بعضیاشو از ۵ منبع متوسط گرفته

ما چه‌جوری می‌تونیم تشخیص بدیم که کجاهاش مستقیمه کجاهاش با واسطه است؟

یه سوال سوال دیگر اینکه حالا آیا فقط موارد اخذ توسط به توسط منحصر است در مواردی است که در مشیخه اشاره شده یا موارد دیگری هم هست این هم یک سوال

یه سوال دیگه اینکه آیا اون منابعی که در به اصطلاح این فرض کنید در کافی ایشون این تعداد موارد را ذکر کرده که اخذ به توسط دارد یه سوال این بود که آیا علاوه بر این موارد موارد دیگری مربوط به کافی هم هست که غیر مستقیم ازش اخذ شده باشد یا نه؟

این سوال دیگه این هست که آیا منابع دیگری هم هست که اون منابع با واسطه ازش اخذ شده باشد یا منابع دیگری نیست؟ این هم یک سوال و به طور کلی یک سوال عام که ما چه‌جوری می‌تونیم منابع اخذ به توسط را اخذ با واسطه را از موارد اخذ مستقیم تفکیک کنیم؟ اصل سوال این هست و خب خیلی سوال جدی هست من شاید نزدیک بیش از ۲۰ ساله روی این موضوع کار می‌کنم و یکی از محورهای اصلی کارهای پژوهش رجالی من روی منبع یابی به خصوص تهذیب است بخاطر یک ویژگی‌های خاصی که تهذیب دارد خیلی کار کردم

به من یه کار جدی به تناسب بحث‌های رجالی‌مون در مورد الگوهای منبع یابی دنبال می‌کردم بسیاری از این الگوها را در تهذیب می‌شود پیاده‌ش کرد من به تناسب این بحث منبع یابی دو تا مقاله چاپ شده بحث غیبت نعمانی که در همون علوم الحدیث چاپ شد اولین مقاله بود

کمال الدین هست در بحث منبع یابی و راش‌های منبع یابی کمال الدین که یک کنگره‌ای در عراق برگزار می‌شد المهدی مستقبل العالم که اونجای مقاله‌ای در مورد منبع یابی کمال الدین دنبال کردم که بحث‌های بخصوص نظریش تو اون بحث کمال الدین خیلی مفصل دنبال کردم تقریبا الگوهایی که ما می‌توانیم در بحث‌های منبع یابی دنبال کنیم شاید بیشتر یا همه اون الگوها در تهذیب قابل تطبیق است. یه ویژگی خاصی دارد به دلیل تنوع اسنادش اسناد کامل دارد اسناد کامل خودش یک الگوهای خاص و روش خاص برای منبع یابی دارد اونا را یه جوری می‌شود

اسناد معلقش یه جور دیگه است و علاوه بر اون‌ها یک روش‌های خاصی هم خود تهذیب دارد که تو این بحث‌های منبع یابی خیلی مهم هست ما بتونیم اونا را شناسایی کنیم و بشناسیم

حالا من به یکی دو تا الگو برای این بحث می‌خوام اشاره کنم با ذکر بعضی مثال های عینی

یکی از نکاتی که در شناسایی اینکه اینجا اخذ به توسط رخ داده را ما را احتمالشو مطرح میکند مواردی که ما با یک پدیده غریبی مواجه میشیم حالا قبل از اون من یه چیزی خارج از تهذیب عرض کنم یکی از مواردی که منبع یابی را احتمالش را مطرح میکند و بعد انسان وقتی دنبال میکند به یه نتیجه مثبتی در این زمینه برسه موارد اشتباهاته گاهی اوقات اشتباهاتی که رخ می‌ده ما را یکی از راه حل های مهم برای حل اشتباهات این بحث‌های اخذ به توسط است با واسطه نقل کردن است

من اینو قبل از بحث‌های مربوط با تهذیب اولین بار در مقدمه مستدرک باهاش برخورد کردم من اولین کاری که کار رجالی که کردم با مستدرک کردم یه بار از اول تا آخر مستدرک مطالعه کردم علتش هم این بود که مستدرک تازه چاپ شده بود چاپ جدیدی آل بیت چاپ کرده بود ۱۸ جلد اون موقع چاپ شده بود یه بار از اول تا آخر مستدرک به صورت پژوهشی با دقت مطالعه می‌کردم حاشیه می‌زدم و مطالبی که حاج آقا در مورد اونها تو حواشی کتاب هاشون بود اونها را دنبال می‌کردم و اینکه مستدرک سابقه خاطره انگیزه برای ما دارد

اونجا تو مقدمش یه نکته ای را مصححین اشاره کرده بودند که اون این بحث اخذ به توسط را از اولین بار از اونها من دیدم اون اینه که اینا تو مقدمه مستدرک اشاره کردند که مرحوم حاجی نوری بعضی وقتا مستقیم از منابع اخذ نکرده به توسط بحار و علامه مجلسی عرض کرده

ایشون فرض کنید که منابع در اختیارش بوده، نه اینکه نبوده ولی چون بهار مرتب تر بوده راحت‌تر بوده سهل الوصول بوده ایشون تعبیر میکند از شیخ صدوق فی کتاب الخصال مثلا در حالی که این ایشون به خصال مراجعه نکرده به مرحوم مجلسی و بحارالانوار مراجعه کردید که از خصال نقل کرده و این شواهدی که اونجا آورده بودن یکی از شواهدش اشتباهاتی که در مستدرک هست در مستدرک گاهی اوقات مطلبی که مربوط به خصال است از امالی شیخ صدوق نقل میکند

منشا چی بوده؟ منشأ این بوده که خصال در بحار لفظش لام است و امالی لی است. ل و لی گاهی اوقات اشتباه شده بوده تو نسخه ای که در اختیار ایشون بوده به جای ل لی نوشته شده بوده عبارت خصال را ایشون از امالی نقل کرده این را توی همین مقدمه اون اشاره کردم خیلی جاها این را اشاره لی و ل خصال امالی از موارد شایع این هست این اشتباه یک مسیری هست که ما را با افراد توسط آشنا می‌کند

نکته دیگه در همین اشتباه یه اون موقع من حاج آقای یه حاشیه مفصلی نوشته بودند بر خاتمه مستدرک در مورد مشایخ شیخ صدوق خب ایشون اسناد صدوق را هم کار کرده بودند اسناد صدوق و اینها یک بحث مفصلی در مورد عبارت صحیح مشایخ شیخ صدوق و یک فهرست بلند بالایی در مورد مشایخ شیخ صدوق داشتند من به تناسب اون دنبال این بودم که مشایخ شیخ صدوق را دنبال کنم

بحث کامپیوتر اینا نبود، قصه مال سال ٦٦ و او حدودها هست ما سال عرض کنم ٦٧ ٦٨ ساله

خدا سلامت آقای طالب پور را با ایشون آشنا شدیم و بعد مرکز کامپیوتری و کامپیوتر اینا دو سه سال بعد از این داستان‌ها بود

خب به تناسب مستدرک که مطالعه می‌کردم مشایخ شیخ صدوق هم مدنظر بود اونجا یجا دیدم شیخ یک نفری را به عنوان مشایخ شیخ صدوق ذکر کرده برام خیلی عجیب اومد که یک شخصی را اصلا طبقش نمی‌خورد با شیخ صدوق و از دلایل الامامه طبری نقل کرده بود ایشونو شیخ صدوق را جز شیخ صدوق بود بعد متوجه شدم که داستان چیه ایشون از بحار اخذ کرده بوده در بحار اصلش تو دلایل عمامه ابو جعفر محمد بن علی بوده این ابو جعفر محمد بن علی را مرحوم شیخ مرحوم علامه مجلسی خیال کرده که شیخ صدوق هست به جای ابو جعفر محمد بن علی این را ابو جعفر شیخ صدوق تبدیل کرده ایشون هم به تبع مرحوم علامه مجلسی اون را تبدیل کرده به شیخ صدوق و این اشتباه رخ داده در حالی که تو خود اسناد دلایل امام قبل و بعدش حرکت بررسی کند اون ابو جعفر محمد بن علی در دلایل عمامه شلمقانی است اون سند سند متکرر است شیخ صدوق هست به شلمقانی که من بعدا هم تو بحث اثبات الوصیه اینکه این کتاب اثبات الوصیه همان کتاب شلمقانی است و این موارد که در اون دلایل الامامه از ابو جعفر محمد بن علی است همه مربوط به اثبات الوصیه موجود است مفصل بهش پرداخته ام

غرضم این نکته هست که یکی از الگوهای منبع یابی، موارد اشتباه است. مواردی که شخص اشتباه میکند گاهی اوقات این اشتباه جز با اخذ با واسطه توجیه پذیر نیست. این اشتباهات با اخذ با واسطه است که آدم میفهمه که چطور میشود که این اشتباه رخ داده باشد. اگه مستقیم اخذ کرده باشد این اشتباه رخ نمیده حالا یا در شناسایی اسم مولف که مثلا امالی و خصال با همدیگه اشتباه بشه یا در سند یک نام با یک نام دیگه قاطی بشه و این بدون مراجعه به اون منبع و اینها نیست

یکی از الگوهای مهم به اصطلاح ترتیب احادیث هست که در هم مستدرک هم همین مطلب هست خیلی وقت ها علتی که از بحار اخذ شده اگر شما دنبال کنید میبینید روایت هایی که در مستدرک است به عینه با همین ترتیب تو بحار است از منابع مختلف از منابع مختلف دقیقاً به همین ترتیبی که در مستدرک هست در بحار هست

البته ممکن است در بحار در لابه‌لای اینها احادیث دیگری هم باشد چون موضوع مستدرک بحار مختلفه مثلاً ۵۰ تا روایت تو بحار وارد شده ۲۰ تا روایتشو به همین ترتیب روایت اول سوم هفتم دهم پانزدهم تا آخر یه ۲۰ تا از این ۵۰ تا را انتخاب کرده باشد و آورده باشد

این الگوی دوم را به خصوص در نقل تهذیب از کافی تو مقاله‌ام دنبال کردم و مفصل بهش توضیح دادم

الگوی ترتیب حالا اون ترتیب هم انواع و اقسام دارد ترتیب از اول به آخر از آخر به اول ترتیب دوگانه که در مقاله دنبال کردم و الان نمی‌خوام وارد اون بحثا بشوم

من یک الگوهای جدیدی را که در آن مقاله دنبال نکردم را می‌خوام، اینجا دنبال کنم

یکی از الگوها بحث غرابت سند گاه گاهی ما وارد یک مجموعه می‌شیم یه دفعه فضا عوض می‌شود، اینجا من یک نمونه‌ای را اینجا یادداشت کردم می‌خواهم خدمت دوستان ارائه بدم در تهذیب جلد ٦ یک بابی دارد مرحوم شیخ طوسی تحت عنوان باب من الزیادات فی القضایا والاحکام این باب، باب نسبتاً مفصلی هست و ٨٦ روایت دارد این ٨٦ روایت را وقتی روایت بررسی می‌کنیم می‌بینیم این روایت یه سری روایت‌هاش منبعش کاملاً مشخصه حالا یا مصرح به نام منبع است یا به اخذ به توسط و با توجه به الگوهایی که قبلا اشاره کردم راحت تونستیم شناسایی کنیم از رقم ۷۹٤ تا ۸۵۰ روایت‌هاییست که از کافیه مشخصه سهل ابن زیاد هست ولو اول سند بسیارشون کلینی نیستند ولی مشخصه که مربوط به کافیه سهل بن زیاد، محمد بن یحیی، حسین بن سعیده که حسین محمد درسته غلط فهم شده بعدیش حسین بن سعید علی ابن ابراهیم، محمد یحیی بعضیاش مشایخ مستخدم کلینی بعضیاشون مشایخ مستقیم نیست ولی مشخصه که از کافی اخذ شده حالا نمیخوام وارد استدلال برای اونها بشم از ۸۰٦ تا ۸۱۲ ما این شکلی می‌بینیم محمد بن احمد بن یحیی عن عبدالله بن احمد رازی بعدیش عنه عبدالله عنه فلانه خطاب

یک منبعی را اول اسمشو برده در روایت‌های بعدی عنه پشت سر هم همین آمده عنه محمد بن ولید عنه عن محمد بن عیسی عنه عن موسی بن عمر و تا ۸۱۲ صریحاً یا با ضمیر روایت‌هایی را از کتاب محمد بن احمد بن یحیی اخذ کرده باز از ۸۱۷ حالا بعضی اسناد بینی این حرف اونا را حذف می‌کنم که اون کلیت فضا را می‌خوام ارائه بدم دوباره از ۸۱۷ تا ۸۲۲ دوباره از مواردی است که کتاب محمد بن احمد بن یحیی اخذ شده محمد بن احمد بن یحیی باز اولیش با اسم ظاهره بعد عنه عنه عنه همینجور تا ۸۲۲

بعدیش را ۸۲۶ را حالا من یادداشت کردم از ۸۲۶ هم ابوالقاسم جعفر بن محمد که ابن قولویه هست اسم ایشون اول سند هست بعد دوباره عنه عنه عنه همین جور ۸۲۶ تا ۸۳۳ ، ۸۳۶ و ۸۳۷ اینها مواردی هستند که در آغاز سند ابوالقاسم بن قولویه یا با اسم ظاهر یا با ضمیر ذکر شدن

۸۴۳ تا ۸۴۶ محمد بن علی بن محبوب صدر سند است مصرحا باسم الظاهر او بالضمیر ۸۴۷ تا ۸۵۲ هم از کافی هست باز با مستقیم یا با اخذ به توسط ۸۵۳ تا ۸۷۱ محمد بن حسن صفار

ببینید اینجا ما مواردی که می‌بینیم کلینی، محمد بن احمد بن یحیی، ابوالقاسم بن قولویه، محمد بن علی بن محبوب، محمد بن حسن صفاری از پنج منبع که هر پنج منبع در مشیخه تهذیب نامشون آمده که البته ابوالقاسم قولویه در گروه دومه چهار تاشون از گراه اول هستند که کسانی هستند که شیخ طوسی در تمام یا اکثر ابواب تهذیب از اونها اخذ کرده و خوب منابع همه شناخته شده تهذیب هستند حالا یا منابعی که در کل یا بابهای زیادی از تهذیب یا در یک باب خاص اونها نامشون فراوان وارد شده ولی از رقم ۸۷۲ یک باره فضا تغییر میکند ما ۸ تا روایت می‌بینیم که در این هشت تا روایت جز یه دونه هفت تا روایتش اصلاً یه جور خاصه است.

من می‌خونم ۸۷۲ روی الاصبغ بن نباته، اصبغ بن نباته جزو منابع شناخته شده تهذیب نیست بعدیش روی عاصم بن حمید، بعدی روی عن ابی جعفر، سند مرسلی که هیچ نام راوی ندارد بعدیش حالا بعدیش یه کمی و علی ابن ابراهیم اون یه مقداری چیز هست ولی همین هم یه فرقی با جاهای دیگه دارد شیخ طوسی وقتی از علی بن ابراهیم نقل میکند که از کافی هم اخذ میکند روا سرش نمیاره، اینجا و روا سرش حتی همین جایی هم که با کافی هست آشنا یعنی کافی هست و رواا و روا سرش دارد همین جلد همین باب را مواردی که از علی بن ابراهیم اخذ کرده من براشون به شما عرض بکنم ۷۹۸ علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی نه واو دارد نه روی دارد و اون مورد دیگه‌ای هم که از کافی اخذ شده بود ۸۴۷ که اونم گفتم ۸۴۸ علی بن ابراهیم بود نه واو دارد نه روی، ولی اینجا و روی علی بن ابراهیم یک پدیده غریب جدید خب از این

بعدش و قضا امیرالمومنین علیه السلام ۸۷۶ به این شکل است و قضا امیرالمومنین علیه السلام بعدیش ۸۷۷ و روی عبدالله بن سیابه بعدیش و فی روایت احمد بن ابی عبدالله برقی؛ احمد بن ابی عبدالله برقی جزو منابع تهذیب هست ولی و فی روایته هیچ جا نداریم همه جا احمد بن ابی عبدالله بدون هیچ فعلی، حالا یا احمد بن محمد بن خالد تعبیر میکند احمد بن محمد بن خالد البرقی تعبیر میکند خالی احمد بن ابی عبدالله برقی به گونه های مختلفی که از برقی یاد میکند فعل قبلش نیست ولی اینجا یعنی تعبیر روایی نیست و فی روایت که یک نوع تعبیر روتایی هست در آن نیست

بعدش احمد محمد بن عیسی ۸۷۹ نه اون مانوسه ۸۷۹

خب این مجموعه چطور شد که اینجا یکباره فضا عوض شد من مراجعه کردم برای اینکه سوال را جواب بدم متوجه شدم که این از فقیه گرفته شده همه این موارد مربوط به فقیه هست البته با احیاناً یک تغییری که شیخ طوسی در سند فقیه

صورت میده با یه مقداری با فضای خود کتاب خودش اونا نزدیک میکند اون ۸۷۲ در فقیه با تعبیر رضی عن اسبغ بن نباته جلد ۳ صفحه ۷ رقم ۳۲۳۱ نکته اینجا من عرض بکنم این روایت ها در فقیه وارد شده دقیقا با همین ترتیب این ۸ تا روایت حالا من آدرس‌هاشو رقم هاشو میخونم چون نگاه کنید از ۸۷۲ تا ۸۷۹ ۳۲۳۱ ۳۲٤۹ ۳۲۵۲ ۳۲۵۵ ۳۲۵۷ ۳۲٦۵ ۳۲٦٦ ۳٤۳۲ دقیقا این هشت تا روایت در فقیه وارد شده به این ترتیب

این یک تعبیراتی که هست تعبیرات دقیقا بعضیاش به عینه همون هست بعضیاش تغییراتی دارد که البته بعضی تغییراتشون را احتمال دارد که نسخه شیخ طوسی به این شکل بوده مثلا اولین مورد شیخ طوسی میگه و روی الاسبغ بن نباته در فقیه عن الاسبق ابن نباته احتمال دارد روی عنه نبوده مثلا روی اسبغ بن نباته بوده احتمالاً دارد شیخ طوسی اونو تغییر داده و روی عاصم بن حمید این دقیقا عبارت صدوق است

بعدیش روی عن ابی جعفر علیه السلام عبارت صدوق و قال ابوجعفر بوده ایشون این را به تعبیر روی عن ابی جعفر کرده که یه مقداری با ساختار تهذیب نزدیک‌تر هست

بعدیش این هست روی علی بن ابراهیم، اصلشو از فقیه گرفته ولی سندشو از کافی اضافه کرده و در لابه‌لای سندی که از فقیه گرفته سند کافی را قرار داده و این قرار دادنش در لابلای اون سبب شده که اون و روی که عرض کردم اینجا نقش خودشو نشون بدهد ببینید عبارت فقیه این هست و قال ابوجعفر ما دیدیم که شیخ کلینی شیخ طوسی طوسی قال ابوجعفر را تبدیل می‌کند به روی عن ابی جعفر اینجا قال ابوجعفر را ایشون کردتش اول روی عن ابی جعفر و روی عن ابی جعفر که شده بعد مراجعه کرده به کافی، دیده کافی سند دارد، سند کافی را این وسط درجش کرده وقتی درج کرده روی با تعبیر روی این وسط تغییر کرده شده و روی علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی جعفر این عن برای روی هست و روا همون روی است این تغییر یعنی تغییر در اثر یعنی کسی سبک کار شیخ طوسی را بتونه دنبال کند میفهمه شیخ طوسی چیکار کرده اینجا

بعدیش ۸۷٦ عین عبارت فقیه ۸۷۷ عبارت اینجا عبدالله ابن سیابه در فقیه نسخه چاپی روا عبدالله ابن سنان نسخه بدل سیابه است خب این پیداست که شیخ طوسی نسخه ای از فقیه که در اختیارش بوده عبدالله ابن سنان نبود عبدالله ابن سیابه بوده نسخه عبدالله ابن یابه در اختیارش بوده و ۸۷۸ و فی روایت احمد بن ابی عبدالله عین عبارت فقیه و عرض کنم خدمت شما ۸۷۹ هم در فقیه وارد شده که البته اون یه بحث خاصی دارد که من الان نمیخوام وارد اون بحث بشم

ببینید این الگویی که میخواستم اینجا دنبال کنم تغییر فضای جدید این فضای جدید ما را به این سمت میبره که ببینیم این چی شد که این فضا تغییر کرد

ببینید ما کار منبع یابی یه کاری شبیه کار کارآگاه است، کارآگاهی که وارد یک محوطه می‌شود یک مثلاً جنایتی که اتفاق افتاده وقتی وارد می‌شود اگر چاقو را به جای اینکه در آشپزخونه ببینه در اتاق خواب ببینه چاقوی آشپزخونه را براش سؤال می‌شود این چاقو چرا اومده اینجا فضای نامأنوس دنبال این میگرده که این منشا انتقال این چاقو از آشپزخونه به اتاق خواب

را پیدا کنند. کار منبع یابی یه مقداری تو این فضاست یعنی فضای اون چیزی که برای کارآگاه مهم هست غرایب هست سرنخ‌های جستجوی کارآگاهی در چیزهایی هست که خاص هست، چیزهایی است که تا حالا باهاش در اون فضاهای مانوس آشنا نبوده است. این یک الگو من به این تناسب دنبال کردم کل خب من تقریباً کل تهذیب را از زاویه دید منبع یابی دنبال کردم و کارهای مختلف این فقیه را تمام موارد دنبال شده و امثال اینا چی حدود شاید ۱۰۰ موردی در فقیه وجود دارد که اینها هر کدوم الگوهاش نحوه کاراش خیلی بحث‌های مفصلی دارد که نمیخوام وارد اون بحث بشم این یه الگو

یه الگوی دیگه الگویی هست در مورد کتاب مزار، در کتاب مزار مرحوم شیخ طوسی از ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه فراوان یاد کرده گفت به طور طبیعی هرکس ابوالقاسم جعفر محمد را ببینه در کتاب مزار میگه اینا از کامل الزیارات گرفته شدن دیگه ولی خب من خودم هم اول تخیلم همین بود که از کامل الزیارات گرفته شدند و موقعی که مشغول چیز بودم کناره‌های کتاب‌هام منابع را می‌نوشتم و اینها اول این را به عنوان اینکه منبعش کامل الزیارات هست این را نوشته بودم بعضی جاهاش نوشته بودم ولی بعد اینا را پاک کردم اتفاقاً خوشبختانه با مداد نوشته بودم نمی‌دونم مداد نوشته بودم یا با غیر مداد نوشته بودن یادم نیست ولی خوشبختانه بعدا متوجه شدم که یه اشتباهی کرده بودم اینا مربوط به ابن قولویه مستقیم نیست بلکه موارد ابن قولویه را هم ایشون از مزار شیخ مفید گرفته از مزار شیخ مفید گرفته اون نکته‌ای که خیلی در واقع بزنگاه قضیه بود که اینو منو به اونجا کشید اولش این بود حالا قرائن مختلفی بعد دنبال کردم حالا اون قرائن را نمیخوام الان همشو مطرح کنم ولی اون قرینه که به عنوان یک الگوی رفتاری برای شناخت منبع میخوام دنبال کنم این هست من توضیح توضیح الاسناد که می‌نوشتم توضیح الاسناد مشکل در مورد ضمائر، اشارات، تعلیقات، تحویلات، کتب اربعه است اصل موضوعش این هست یه ضمیر توی تهذیب که کار می‌کردم حدیث ٦١ ٦١ یک تعبیر دیدم عنه عن ابوالقاسم عن الحسن بن عبدالله بن محمد عن ابیه عن الحسن بن محبوب قبل از این روایت‌های قبلی که هست این از اینجا شروع می‌شود باب فضل الکوفه رقم ۵۷ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه رحمه الله ۵۸ و عنه که به همون ابن قولویه برمیگرده ۵۹ عنه به ابن قولویه برمیگرده ٦٠ و عنه به ابن قولویه برمیگرده ٦١ و عن ابی القاسم عن الحسن بن عبدالله بن محمد، مشکلی که اینجا ما باهاش مواجه بودیم اون این بود که این ابی القاسمی که تو سند هست به قرینه مروی عنه حسن ابن عبدالله ابن محمد همون ابن قولویه هست. این عنه به کجا برمی‌گرده این عنهو به کجا برمی‌گرده. این خب منو به دنبال پاسخ این سوال به اینجا رسوند که اصلاً شیخ طوسی مواردی که از ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه نقل میکند مستقیم از کامل الزیارات اخذ نکرده بلکه رفته از مزار شیخ مفید اخذ کرده و این مرجع ضمیرش هم شیخ مفید هست که در هیچ یک از این سندهای قبلی و بعدیش هم نیست ولی ایشون اینجا ناخودآگاه یک اشتباهی درش رخ داده اون منبع متوسطی که از اون منبع ذکر کرده بوده اون منبع را با ضمیر ازش یاد کرده و اما بعدا البته دنبال کردم شواهدی که نشون بدهد که از مزار شیخ مفید اخذ شده

چرا اصلا شیخ طوسی این کارا می‌کرده اون خودش یه بحث خیلی مفصل دارد که نمی‌خوام الان واردش بشم من عرض مرحوم شیخ طوسی مواردی که در تهذیب نقل کرده در این باب از ابوالقاسم جعفر بن محمد همش در مزار مفید موجوده ولی همه اینها در کامل الزیرات یه روایت دیگه‌ای هست که در تهذیب اخذ نشده اینکه تصادفاً فقط اون روایت‌هایی در تهذیب نقل شده باشد که شیخ مفید آورده باشد این خودش نشانگر نمی‌شود تصادفی فقط اونایی آورده باشد که شیخ طوسی ۱

نکته دوم اینکه ترتیب احادیث هم یه الگوی دیگری هست با ترتیب مزار مفید هماهنگه با ترتیب ابن قولویه توافق کامل ندارد البته مرحوم شیخ مفید ترتیب احادیث کامل زیارت خیلی تغییر نداده و یک نکته‌ای که خیلی راحت نشد آدم نمیتونه تشخیص بدهد اینکه از کامل الزیارات یا مزار مفید همین نکته است که شیخ مفید خیلی تغییر نداده کمی تغییر داده ولی همون تغییر کم هم در تهذیب اثر گذاشته این هم نکته یه نکته دیگه

نحوه تعبیراتی که از ابوالقاسم از ابن قولویه هست این‌ها تابع شیخ مفیده شیخ مفید اگر ابوالقاسم تعبیر کرده ایشون ابوالقاسم تحویل کرده اگر ابوالقاسم جعفر محمد تعبیر کرده ایشون ابوالقاسم جعفر بن محمد تعبیر کرده ابوالقاسم جعفر محمد بن قولویه تعبیر کرده ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه تعبیر کرده و نکته جالب اینه ببینید گاهی اوقات فرض کنید شیخ طوسی اگر مستقیم از کامل الزیارات اخذ کرده بود طبیعی بود اولین مورد را اسم کامل بیاره بگه ابوالقاسم جعفر محمد بن قولویه سایر موارد اختصار کند سایر موارد را بگه ابوالقاسم خالی ابوالقاسم جعفر محمد ولی در تهذیب اینجور نیست ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه که اسم کامل است در وسط است

اولین موردهایی را که الان جلد شما این را شما نگاه کنید تعبیراتی که ایشون مثلاً برای اولین بار آورده در مورد زیارات را که صحبت می‌کند یه سری موارد اولین رقم ۵۱ ابوالقاسم جعفر بن محمده ۵۷ ابوالقاسم جعفر محمد بن قولویه ۵۸ با ضمیر و امثال اینها

اینکه اولین سندی که از ابن قولویه ذکر میکند کامل نیست وسطا کامل می‌شود به خاطر اینه که اون وسطه شیخ مفید کامل ذکر کرده بوده اون اولیه را کامل ذکر نکرده بوده این تفاوت به خاطر این است که شیخ مفید به چه نحو ذکر کرده بوده و شواهد دیگه‌ای که و نکات جالبی اینجا هست که شیخ مفید در مزار از غیر کامل الزیارات هم موارد آورده شیخ طوسی اونا را آورده در لابلای مواردی که از کامل الزیارات شیخ مفید اخذ کرده از منابع دیگه هم اخذ کرده اونارو هم اورده

یعنی ساختار کلی که تو این کتاب وجود دارد در تهذیب وجود دارد با ساختار مزار شیخ مفید هماهنگه نه با مزار ابن قولویه یعنی کامل الزیارات خب اینا یه الگوهای خاصی هست که این الگوها را ما را می‌تونن مشخص کنند که این از کدوم منبع اخذ شده بعد این الگوها در کتاب های مختلف در جاهای مختلف می‌تونن پیاده شن پیاده سازی های این گل الگوها در کتاب‌های سند دار حدیثی خیلی هست من در اون بحث کمال الدین بحثی که در منبع یابی کردم یکی از بحث‌های

مهمی که اونجا دنبال کردم بیشتر الگوهای نظری یعنی الگوهای کلی که ما در کتاب‌های سنددار چه الگوهایی داریم که بر اساس اون الگوها بتوانیم منبع را از غیر منبع تفکیک کنیم مفصل اونجا من اول غیبت نعمانی پیاده کردم بعد تو کمال الدین، کمال الدین پخته‌تره یعنی یه مقداری بحثاش جا افتاده‌تر هست از بحث‌هایی که تو به اصطلاح غیبت نعمانی کرده بودند و بنا داشتن خود اون غیبت نعمانی را اون اصل عربی بود فارسی که ترجمه می‌کنم یه بار دیگه با یک الگوهای روشن‌تر و پخته تر بحث را دنبال کنم که خوب نرسیدم خب اینم یک نمونه ای که الگوهای متفاوتی وجود دارد یه عرض کردم

یکی از الگوها بحث این عنه یک نوع اشتباه در واقع هست این مثالی بر همون اشتباه است ارجاع ضمیر به منبعی که وجود ندارد این اشتباهه. اشتباهات ما را کمک میکند در اینکه منبع را بشناسیم خیلی وقتا اشتباهاتی که مولف کرده ما را به منبع راهنمایی می‌کند.

یه نکته اینجا من یه تفاوت بین کافی و تهذیب هست؛ مرحوم شیخ طوسی در تهذیب خوشبختانه به علت اینکه فرصت نداشته خیلی اون چیزهای منابع اولیه را دست بهش نزده به خلاف کافی، کافی کارش شبیه یک زرگر که به اصطلاح جواهرات مختلف گوشواره النگو امثال اینها را همه را آورده توی کوره قرار داده ذوب کرده یک مثلا گلو بند خیلی قشنگ درست کرده این گلو بند کجاش از اون گوشواره هست کجاش از اون گردنبند از چیزهای مختلف از این گردنبند به راحتی نمی‌شود تشخیص داد چون اون ساختار کتاب اصلی در کافی نوعا عوض شده

این یک امتیاز هست بر کافی یعنی کافیه کتاب منسجمه یه کتاب ساختارمنده یه کتابیست که واقعاً تعبیر نجاشی اینه که ۲۰ سال بهش زحمت کشیده زحمت کشیده شده شیخ طوسی خوشبختانه فرصت نداشته اینقدر زحمت بکشه این تهذیب را به یک معنا به اصطلاح با یک نوع ساختارهای متفاوتی ما را روبرو میکند شبیه اینه که ایشون یک گوشواره را گرفته به یک گردنبند فقط یه لحیم کرده جوش داده خب ما اون گوشواره را جدا کنیم راحت میتونیم جدا کنیم تو کوره نرفته این هست که راحت میتونی اونو جدا کنیم منبعش را در بیاریم یکی از نکاتی هم که من را تهذیب را منبع یابی کار کردم نکته اش همین بود راحت بود کار منبع یابی اما در کافی خیلی سخته خیلی خیلی سخته منبع یابیش کردن تنها جایی که در کافی راحته کتاب روضه است اونم به دلیل اینکه روضه یه چیزی شبیه کشکوله به دلیل کشکولی بودن اونو راحت می‌شود اون کارای منبع یابی الگوهاشو اونجا پیاده کرد اتفاقا دنبال کردم منبع هاشو تو توی روضه خیلی راحت می‌شود منبع درآورد ولی تو کل کافی فرض کن مجموعاً شاید یه چیزی حدود ۲۰ درصد منابع توانستند با خودکشان جون کندن در بیاریم ولی مثلا در تهذیب میتونم ادعا کنم ۹۰ درصد منابعش را درآوردم علتش اینه که ساختار تهذیب ساختاری نیست خیلی دستکاری کرده باشد و منابع اولیه را و لو به دلیل اینکه وقت نداشته بعضیا تعبیر می‌کنن شیخ طوسی کتابش انسجام ندارد بگم حالا درست هم هست یک نوع عدم انسجام هست ولی به نعف ماست ما می‌توانیم از طریق تهذیب اون منابع اولیه‌اش را شناسایی کنیم

یه الگوی دیگر را هم اینجا می‌خوام مطرح کنم اون یه مقداری متفاوت هست با این الگوهایی که الان صحبت کردم حالا قبل از این در مورد مزار شیخ مفید این را هم عرض بکنم شیخ طوسی یکی دو جا تصریح میکند که از مزار اخذ کرده اینجوری نیست که هیچ تصریح نداشته باشد یکی دو جا به این مطلب تصریح دارد و عرض کنم خدمتتون در صفحه ٥٦ میگه که قد ذکر شیخ رحمه الله فی کتابه مناسک الزیارات ترتیبا لزیارت ابی عبدالله الحسین ابن علی علیه السلام و یکی دو جا همچین تصریحاتی دارد یه جایی تعبیر میکند قال شیخ فی رساله به نظرم اونم مربوط به همین چیز الان یادم رفته عرض کنم

یه الگویی هست در مورد کتاب رجال ابن عقده یکی از منابعی که شیخ طوسی ازش اخذ کرده و در مشیخه تهذیب هم ازش یاد کرده و اخذ کرده ابن عقده است. البته یکی دوتا نکته در مورد ارتباط شیخ طوسی با ابن عقده باید مدنظر باشد اولاً یک جا ایشون شیخ طوسی تصریح میکند که من از کتاب رجال ابن عقده اخذ کردم در تهذیب جلد ۳ صفحه ۱۹۵ رقم ۱۹ میگه روا احمد محمد بن سعید ابن عقده این ابن عقده باید الف داشته باشد چون عقده لقب محمد است نه پدر سعید روا احمد بن محمد بن سعید ابن عقده فی کتاب رجال قال حدثنی احمد بن عمر بن محمد بن حسن قال حدثنا ابی قال حدثنا محمد بن عبدالله ابن خال مولی بنی صیدا انه صلی خلف جعفر ابن محمد

خب شیخ طوسی در بعضی جاها سند را با نام ابن عقده شروع می‌کند حالا بعضی جاها کلمه عقده را دارد بعضی جاها را کلمه عقده ندارد، اون جاهایی که عقده ندارد احمد محمد بن سعید خالی هست مربوط به کتاب ابن عقده نیست دو مورد هست که یکی جلد ٦ صفحه ۱۲۳ رقم ۱۱ است که از کافی گرفته شده یکی صفحه ۱۸۰ همین جلد هست که از عیون اخبار رضا گرفته شده حالا توضیحاتش در جای خودش

بحث در مورد مواردی هست که ایشون احمد بن محمد بن سعید را ازش ذکر میکند کلمه عقده را ذکر میکند اینا همش قرائن نشون میده که از رجال گرفته شده ولو فقط در یک جا به نام کتاب رجال اشاره کرده اون چیه اون اینه که مواردی که ایشون از بدع سند کلمه عقده را مثلاً ابوالعباس ابن عقده، احمد محمد بن سعید ابن عقده امثال اینها تعبیر میکند همه مواردش سندهاش به امام صادق منتهی می‌شود یک

نکته دوم اینکه این نکته هم توجه داشته باشید که ابن عقبه کتاب رجالش رجال روات امام صادق علیه السلام همچنان که مرحوم علامه حلی در خلاصه اشاره کرده که اسما روات ابی عبدالله صادق کتاب رجال ابن عقده است و خود شیخ طوسی در مقدمه رجال هم اشاره میکند که کتاب رجال ابن عقده مربوط به رجال اصحاب صادق هست

خوب ما در واقع ببینید این الگوی این الگویی که من دارم الگویی که دارم در موردش صحبت می‌کنم اینه که ما از یه طرف اطلاعات کتب رجالی را در مورد یک کتاب داریم دنبال می‌کنیم از یه طرف اطلاعاتی که تو این مجموعه داریم ما میایم این اطلاعات را با همدیگه نزدیک می‌کنیم از یه طرف ابن عقده کتاب رجال دارد کتاب رجال کتاب رجالی ساختار خاص خودشو دارد رجالی سعی میکند اسم راوی را تا حد امکان کامل بیاره کنیه ذکر کند لقب ذکر کند این ساختار کتاب

این یک ساختار کلی کتاب از طرف دیگه این رجال مال اصحاب صادق است خب ما وقتی به مواردی که شیخ طوسی از ابن عقده اخذ کرده مراجعه می‌کنیم می‌بینیم همه این موارد اسناد به امام صادق منتهی می‌شود اون هم نام راویان، راویان قلیل الرّایه هستند با تعبیراتی شبیه تعبیرات کتب رجالی با چیزهای شبیه کتب رجالی مشابه اونها هستند خوب مثلا من اینا را ببینید تعبیر اینه در جلد یک صفحه ۵۹ رقم ۱٦٦ میگه فاما مارواه ابن عقده عن فضل ابن یونس عن محمد بن عکاشه و تلفظش چیه عن جعفر بن عماره ابو عمارت الحارثی این تعبیر تعبیر کتب رجالیه اسم دارد اسم پدر دارد کنیه دارد لقب دارد این اولین تعبیر، تعبیر بعدی جلد یک صفحه ٤٦٤ رقم ۱۵۱۹ احمد بن محمد بن سعید ابن عقده عن محمد بن یونس بن ابراهیم عن محمود بن میمون عن جعفر بن سوید بن جعفر بن کلاب تا جدش رفته قال سمعت جعفر محمد علیه السلام یقول اینم دومی، سومی بشر بن ابوالقاسم بن جلد ۲ صفحه ٤٤ رقم ۱٤۰ ابوالعباس بن عقده عن الحسین بن محمد بن حاظم قال حدثنا تغلب بن ضحاک قال حدثنا بشر بن جعفر الجعفی ابو الولید نام نام پدر لقب کنیه این چیزی هست مال ساختار کتاب رجالی بعدیش اینو ببینید روا احمد بن محمد بن سعید ابن عقبه آدرس جلد ۲ صفحه ۲۱۹ رقم ۸٦۲ روا احمد بن محمد بن سعید ابن عقده عن احمد بن محمد بن حسن قال حدثنی ابی عن عبدالله بن جمیل بن عیاش ابی علی البزاو قال اخبرنی ابی قال سئلت جعفر بن محمد اون پدر آن مشخصاتشو کامل نیاورده ولی پسرش را که در واقع معرف پدر هست اطلاعاتش اطلاعات کاملیه عبدالله بن جعفر جمیل بن عیاش ابی علی البزار و همینجور نفر بعدی ۳۳ رقم ۱۲۰ احمد محمد بن سعید ابن عقده قال حدث احمد یحی آخرش ابراهیم بن محمد المرافقی و ابو احمد عمر بن ربیع نصری این ببینید تعبیرات کنیه دارد اسم دارد اسم پدر دارد لقب دارد ساختار تعبیری که اینجا وجود دارد دقیقا یک ساختار رجالیه یعنی ما این الگویی که می‌خوام اینجا روش صحبت می‌کنم اینه ما گاهی اوقات اطلاعاتی که از اون منبع داریم سعی می‌کنیم اون اطلاعات را خوب شناسایی کنیم. اطلاعاتی که تو تهذیب داریم اینارم شناسایی کنیم اینا را به هم نزدیک می‌کنیم البته اینجا به دلیل یک قرائن خارجی که این وسط هم ما داریم اون اینه که شیخ طوسی کتاب رجال ابن عقده دستش بوده کتاب رجال ابن عقده مهم‌ترین منبع شیخ طوسی در باب اصحاب صادق رجال شیخ که من مقاله به اصطلاح ارتباط رجال شیخ و رجال برقی مفصل مواردی که از ابن عقده گرفته شده را به طور تفصیلی اونجا وارد بحثش شدم خوب شیخ طوسی یک رجال ابن عقده در اختیار داشته و این رجال ابن عقده را به خاطر رجال مجبور بوده که کلشو زیرو رو کند. بنابراین کتاب کتاب رجال ولو کتاب حدیثی نیست در یعنی فقهی حدیثی نیست و شیخ طوسی منبع‌هاش کتاب‌های فقهی حدیثی است و این به طور طبیعی ممکن است شما تصور کنید که اینکه شیخ طوسی بخواد از کتاب رجال اخذ کرده باشد یه نوع قرابتی دارد ولی یه نکته دیگه وجود دارد شیخ طوسی یه بار کتاب رجال ابن عقده را به خاطر رجال از اول تا آخر زیرورو را کرده کل این کتاب را اطلاعاتش را بنابراین مستقیماً ایشون مراجعه نکرده به هدف به دست آوردن روایت فقهی که بگید خب یه کتابی هست مثلا ممکن است ۳۰۰۰ تا ٤۰۰۰ تا روایت داشته باشد در ۳ هزار تا ٤۰۰۰ تا روایت پنج تا روایت ۱۰ تا روایت فقهی هم وجود داشته باشد شیخ طوسی انقدر وقت ندارد که برای به دست آوردن این پنج تا ده تا به اصطلاح اون

مقدار روایت را زیرورو کرده باشد. ولی یک نکته جانبی اینجا هست که شیخ طوسی برای به دست آوردن این روایت‌ها کتاب رجال ابن عقده را زیر و را نکرده یه کار دیگه داشته در کنار اون کار یه سری چیزایی هم به دست آورده از اون اطلاعات استفاده کرده برای اینکه در تکمیل تهذیب دارد استفاده کند

این نکته‌هایی که می‌خوام عرض بکنم این هست که ما برای منبع یابی باید حواسمون به همه اطلاعات باشد اطلاعات عمومی چه شکلیه ساختار کتاب رجال، اطلاعات شخصی یعنی شیخ طوسی رابطه اش با کتابای رجال چه شکلیه بعضی از این اطلاعات مال ساختار کلی کتاب رجاله بعضیاش مربوط به شیخ طوسیه و وضعیت خاص شیخ طوسی است. اینها را از یه طرف ضمیمه باید بکنیم از یه طرف این ساختار این احادیثی که اینجا داریم اینا را ما میایم کنار هم میچینیم و یه نتیجه گیری میکنیم میگیم همه مواردی که شیخ طوسی از ابن عقده اخذ کرده است و در هنگام اخذشم کلمه عقده را میاره یعنی شیخ طوسی ابن عقده را ابن عقده می‌شونداسه یعنی عقده براش مشخص این راویه این محدثه شیخ طوسی همه مواردی که در تهذیب با نام که توش عقده وجود دارد از ابن عقده یاد میکند همه موارد از رجالش اخذ شده این الگو مشابه این الگوها را در خیلی از کتاب ها می‌شود پیاده سازی کرد ولی هر مورد نیاز به بومی‌سازی دارد این الگوها الگوهای کلیه ولی هر کدوم نیاز به بومی‌سازی دارد و بدون اسن یعنی بدون توجه به ویژگی‌های موردی اگه ما می‌خواهیم در کمال الدین مثلاً بعضی از این الگوها را پیاده کنیم باید شیخ صدوق اینجا بشناسیم ساختار شیخ صدوق مدل شیخ صدوق و امثال اینا بعضی نکات کلیه در مورد ساختار کتاب حدیثی سند دارد بعضی چیزها مربوط به خصوص شیخ صدوق هست و اون ساختار را ما میتونیم دنبال کنیم.

اخیرا خوب بحث‌های خیلی خوب منبع یابی آدم میبینه مقالات قابل استفاده سودمند و حرکتی که در بحث‌های منبع یابی هست واقعاً قابل ستایش هست و به هر حال الگوهای متنوعی از این بحث‌های منبع یابی که به خصوص افرادی که به هر حال سنشون از ما کمتر هست بزرگن ولی سنشون از ما کمتره آدم می‌بینه که دنبال کردن و امیدواریم که همشون موفق باشند ان شالله که شب جمعه است و شب زیارتی حضرت اباعبدالله الحسین هست من فقط تناسب یک سلامی به حضرت اباعبدالله میدم و بحث را تمام می‌کنم اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد جمیعا السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الارااح التی حللت به فناک علیک منی سلام الله ابدا ما بقی و بقی اللیل و النهار ولا جعله الله زیارت السلام علی الحسین و علی علی بن الحسین و علی اصحاب الحسین این سلام را من یه جایی توضیح دادم اصل این سلام مربوط به بقع مبارک است و این سلام سلام به امام حسین است و حضرت علی اکبر و شهدا انشالله خدا توفیق بدهد مستقیم اونجا سلام الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد اولاد را نمیگید